

« نامه ماهانه ادبی ، علمی ، تاریخی ، اجتماعی »

شماره  
چهارم و پنجم  
تیر و مردادماه ۱۳۳۹

# اگر با هم معنا

دوره - بیست و نهم  
شماره - ۴ و ۵

تأسیس بهمن ماه - ۱۳۹۸ شمسی

( مؤسس : مرحوم وحید دستگردی )  
( صاحب امتیاز و نگارنده : وحید زاده - نسیم دستگردی )

بقلم : دانشمند محترم آقای ابراهیم صفائی

## فرهنگ ایران در هند

زبان فارسی در نیمه دوم قرن چهارم هجری همگام با لشکر کشی های سلطان محمود غزنوی به هندوستان راه یافت . بعدها این زبان و ادبیات شیرین آن ، چنان مورد استقبال پادشاهان و وزیران و مردمان فاضل و قاطبه مسلمانان هند قرار گرفت که سرزمین هند بخصوص شهر **لاهور** از قرن پنجم بیعد یکی از مراکزهای مهم تألیف و تصنیف نثر و نظم زبان فارسی شد و آثار بسیار بدست دانشمندان هند بزبان فارسی در طی چند قرن بوجود آمد و زبان فارسی را در آن سرزمین شکوهی بخشید و سپس در زمان پادشاهان مسلمان تیموری ( ۹۳۲ - ۱۲۷۴ قمری ) مرکز ترویج زبان و ادبیات فارسی به **دهلی** منتقل شد و بخصوص در قرن دهم و یازدهم توجه خاص پادشاهان تیموری این زبان را در قاره هند تعمیم داد تا آنجا که دانستن زبان فارسی برای دانشمندان هند فضیلتی محسوب میشد و در **دربار دهلی** و **دربار نیمه مستقل**

دکن بزبان فارسی گفتگو میکردند و مسلمانان هند بتحصيل اين زبان میکوشيدند و از اين زمان کتابهای نفيس فراوان از قبيل **تاريخ الفی** ، **اکبر نامه** ، **اورنگ زیب نامه** ، **آئين اکبری** . بزبان فارسی ساده و شیرین بجای مانده است .

پيش از اين زمانها هم ظهور شاعران بزرگ چون **مسعود سعد** ، **امير فخر الدين سنامی** ، **امير خسرو دهلوی** ، **مظهر و سپس فيضی و عرفی و ظهوری** در پيشرفت زبان فارسی در قاره هند تأثير فراوان داشت .

در اواخر قرن دهم و اوائل قرن يازدهم نیز جمع بسياری از دانشمندان و شاعران نامی ايران از بیرونقی کلاهی ادب و رواج تعصب های شديد مذهبی بستوه آمده از دربار صفویه روی بر گردانند و راه سرزمین وسیع و پربار کت هند را در پيش گرفتند و بدربار ادب پرور دهلی روی نهادند و گروهی هم بدربار امراء دکن و گجرات و کشمير رفتند و تشويق دیدند و بناز و نعمت رسیدند .

هجوم اين دانشمندان بسرزمین هند نیز در ترویج بیشتر زبان و ادبیات فارسی تأثیر بسیار داشت .

رواج سبک هندی در ادبیات ايران ارمنان ارزنده همین مهاجرتهاست ، رونق روز افزون زبان و شعر و ادب فارسی در هند موجب شد که دانشمندان مسلمان فارسی زبان هند بتشويق پادشاهان و امیران ادب پرور بتألیف فرهنگهای مختلف برای زبان فارسی همت گماشتند ، زبان فارسی را هندیان بیشتر از طریق شعر و ادب ما بدست آورده بودند و طالبان زبان فارسی غالباً در درك معنی الفاظ و اصطلاحات دیوانهای شاعران ایرانی درمی ماندند و دستور زبان یا فرهنگی در اختیار نداشتند که مشکلات خود را آسان کنند .

همین امر باعث شد که در طی سه قرن بیش از پنجاه فرهنگ مختلف بسعی دانشمندان بزرگ هند برای زبان فارسی تألیف شد و باید صمیمانه انصاف داد که زبان فارسی از این حیث مدیون سعی و تتبع دانشمندان هند میباشد و خود ایرانیان

از عهدۀ انجام چنین خدمت بزرگ و شایسته‌ئی بر نیامده‌اند! زیرا ما بجز فرهنگ اسدی که در قرن پنجم نوشته شده و مجمع الفرس سروری کاشانی که در قرن یازدهم تنظیم گردیده و چند فرهنگ کوچک و بی‌اهمیت، قبل از فرهنگ نویسی هندیان فرهنگ جامعی برای زبان خود نداشته‌ایم، البته در صدۀ اخیر بسعی بعضی از ارباب تحقیق فرهنگ‌های سودمند از قبیل: فرهنگ جامع، انجمن آرای ناصری، فرهنگ بهارستان، فرهنگ نفیسی، فرهنگ عمید، فرهنگ آموزگار تألیف شده که مهمتر و شامل تر از همه «لغت‌نامهٔ دهخدا» میباشد ولی مجموع تتبعات پیشین و تألیفات اخیر ما به نسبت کاری که در هند برای تدوین فرهنگ فارسی شده باز هم ناچیز است.

متأسفانه از آغاز نفوذ انگلیسها در هند بخصوص از سال ۱۲۷۴ قمری (۱۸۵۸ میلادی) که بهادرشاه آخرین پادشاه سلسله تیموری هند از طرف انگلیسها تبعید گردید و سلطنت باشکوه و دانش پرور تیموریان هند بر چیده شد زبان فارسی در هند از رونق افتاد و جای خود را بزبان انگلیسی داد و فقط در دربار نیمه مستقل دکن نفوذ رسمی این زبان باقی ماند که آنهم پس از تأسیس دولت هند و انقراض حکومت دکن در سالهای اخیر روبرو ال نهاده است، امید است اولیاء دولت فخریه هند برای حفظ این علائق معنوی و روابط عمیق و دیرین فرهنگی دو کشور تدبیری بیندیشند.

حال برای اینکه قارئان محترم مجلهٔ ارمغان با اهمیت خدمت بزرگ و متوالی و دیرینهٔ دانشمندان هند آگاه شوند فهرست تعدادی از مهمترین فرهنگ‌های زبان فارسی را که در هند و بسعی دانشوران عالی‌مقام آن کشور برای زبان فارسی تنظیم شده با معرفی اجمالی مؤلفان آن فرهنگها ذکر مینمایم و انتظار دارم بخصوص این مقاله مورد توجه انجمن روابط فرهنگی ایران و هند قرار گیرد تا ارزش روابط عمیق و دیرینهٔ فرهنگ دو کشور را بیشتر درک کنند و در تجدید این رابطه محکم و اساسی (که شاید در جهان بی نظیر باشد) کوشش بیشتری مبذول دارند.

## فرهنگ جهانگیری

تألیف « جمال‌الدین حسین انجو » ملقب به عضدالدوله است و بیشتر حاوی لغت‌ها و اصطلاحهای شعری است و انحصار بلغت‌های فارسی دارد و بندرت واژه‌های غیر فارسی در آن راه یافته این فرهنگ را مصنف در سال ۱۰۱۳ قمری با امر **جلال‌الدین اکبر شاه** آغاز و چند سال بعد بنام **محمد جهانگیر پادشاه** فرزند اکبر شاه پیمان رسانیده و بهمین مناسبت بنام **فرهنگ جهانگیری** موسوم داشته و از جهانگیر پادشاه تشویق فراوان دیده و یاداش وصله فاخر دریافت داشته است .

فرهنگ جهانگیری نخستین فرهنگی است که در هند ویژه لغت فارسی و بسا شواهد شعری تنظیم شده و قبل از فرهنگ جهانگیری فرهنگ نویسان هند بین لغت‌های عربی و فارسی تقریب نکرده‌اند .

مؤلف فرهنگ جهانگیری در مقدمه فهرست مأخذهای خود را که بیش از چهل فرهنگ میباشد ذکر کرده که سی و چند فرهنگ آن از تألیفات دانشمندان هندی است .

فرهنگ جهانگیری در ۲ جلد هر جلد قریب پانصد صفحه بقطع متوسط در لکنهو بچاپ رسیده است ، خوب است بدانیم که اکبر شاه و جهانگیر پادشاه هر دو از بزرگترین پادشاهان سلسله تیموری هند بوده و در راه ترویج دیانت اسلام و نشر زبان فارسی بسیار کوشیده‌اند و دوران سلطنت آنها از دورانهای پرابهت حکومت هند است .

## برهان قاطع

اثر محمد حسین برهان شامل لغت‌های فارسی و پهلوی و دری و اوستائی و یونانی و سریانی و اصطلاحها و کنایه‌های فارسی میباشد و مشتمل بر ۲۹ گفتار است ، و از همه لغتهائی که پیش از برهان تنظیم شده‌اند مفصل‌تر و زائد بر بیست هزار لغت دارد .

مؤلف در اول کتاب مقدمه‌ئی مشتمل بر قواعدی از دستور زبان فارسی نوشته است که گرچه مختصر میباشد ولی بسیار ارزنده و سودمند است این کتاب را مصنف بسال ۱۰۶۲ هجری قمری بامر و تشویق سلطان عبدالله قطب شاه پادشاه نیمه مستقل دکن تألیف کرده و در ۳۲۰ صفحه بقطع وزیری در سال ۱۳۰۵ قمری در بمبئی بطبع رسیده یک بار هم با چاپ سنگی سابقاً در طهران در یک جلد و اخیراً هم یک نوبت با چاپ سری در سه جلد با تصحیح آقای دکتر معین و یکبار در یک جلد با مقدمه آقای عباسی طبع شده است.

### فرهنگ رشیدی

تألیف «عبدالرشید حسینی مدنی» که خود از اهل سند و از دانشمندان بزرگ مقیم دربار شاهجهان بوده میباشد، فرهنگ رشیدی از فرهنگ جهانگیری و برهان قاطع جامع تر و معتبر تر است و تقریباً همزمان با تألیف برهان یعنی در سال ۱۰۶۴ هجری بامر شاهجهان تنظیم شده و ویژه لغت‌های فارسی است، فرهنگ رشیدی نیز شواهد شعری زیاد دارد و از فرهنگهای معتبر فارسی میباشد و بسیاری از فرهنگ - نویسان بآن استناد کرده‌اند.

این فرهنگ بسال ۱۲۹۲ قمری در کلکته چاپ شده و چهار سال پیش هم در طهران از طرف کتابفروشی بارانی در ۲ جلد هر جلد قریب هشتصد صفحه بطبع رسیده و در پایان هم رساله «معربات رشیدی» چاپ شده است، عبدالرشید درین رساله سودمند و مختصر درباره لغت‌های فارسی که داخل زبان عرب شده و چگونگی تعریب آنها تحقیقات فاضلانه‌ئی بعمل آورده که در خور اهمیت است.

### منتخب اللغات شاهجهانی

شاهجهان که در زمان او سلطنت تیموری هند باوج شکوه و اهمیت رسیده بود و دربارش محل اجتماع شاعران و دانشمندان بود وقتی نسخه‌ئی از قاموس را بنظر

او رسانیدند عبدالرشید مصنف فرهنگ رشیدی را مأموریت داد که فرهنگ لغات عربی بفارسی را که مفید برای فارسی زبانان باشد تنظیم کند. عبدالرشید با امر شاهجهان منتخب اللغات شاهجهانی را گرد آورد.

مأخذ او کتابهای قاموس، کنز اللغه، صحاح، صراح و یکی دو کتاب دیگر از کتابهای لغت عرب بوده است.

عبدالرشید در این کتاب لغت‌های عربی را که در کتابهای ادبی و محاوره ادبای فارسی زبان بکار میرود جمع کرده و معنی هر یک را با معانی مختلف که از تغییر در اعراب سه گانه حاصل میشود و تصریف گوناگون لغات بزبان فارسی ساده و سلیس نوشته است.

این کتاب تقریباً دوازده سال قبل از فرهنگ رشیدی یعنی در سال ۱۰۴۶ تنظیم شده و در سال ۱۳۲۳ هجری قمری در قطع بزرگ رحلی حاوی نهمصد صفحه در کلکته چاپ شده و در جای خود اثر بسیار نفیسی میباشد و برای فارسی زبانان ساده‌ترین فرهنگ لغت عربی بفارسی است.

### سراج اللغات

تألیف سراج‌الدین علیخان اکبر آبادی متخلص به «آرزو» از شاعران نامی قرن دوازدهم هند میباشد این فرهنگ گرچه کوچک است ولی مصنف آن لغتها و اصطلاحهای شاعرانه زبان فارسی را با ذوق صافی جمع آوری کرده است و برای هر لغت شعری از شاعران بزرگ متقدم و بیشتر از نظامی شاهد آورده و کتاب او با همه کوچکی مورد استناد اغلب لغت‌نویسان بعد از وی بوده است.

این کتاب در سال ۱۱۶۲ در دهلی تألیف شده و در سال ۱۳۰۵ قمری در بمبئی در حاشیه کتاب غیاث اللغات چاپ شده است.

مؤلف سراج اللغات فرهنگ کوچک دیگری بنام «چراغ هدایت» دارد که مخصوص لغات و اصطلاحات شعرای فارسی زبان هند و استادان سبک هندی میباشد.

## بهار عجم

تألیف «روئیک چندبهار» میباشد. وی از شاعران بنام قرن دوازدهم هنداست و در خدمت سراج‌الدین علیخان آرزو و شیخ محمدعلی حزین شاعر بزرگ قرن دوازدهم و صاحب تذکره حزین کسب معارف و ادب فارسی نموده است و ازدونفر استاد خود، بخصوص از حزین، همه جا با احترام نام برده است.

بهار بنای تألیف خود را بر استخراج و شرح لغات و اصطلاحات از دیوان شاعران بزرگ قرار داده و قریب هشتاد دیوان از استادان سخن مورد تتبع و استقصاء او بوده است.

فرهنگ بهار عجم در سال ۱۱۵۲ قمری تنظیم شده و مؤلف ماده تاریخ آن را در جمله «یادگار حقیر فقیر بهار» ضبط کرده است، فرهنگ بهار عجم بسال ۱۳۳۲ قمری در لکنهو بطبع رسیده است.

از صاحب بهار عجم دور ساله مفیدم بنام جواهر الحروف و نوادر المصادر در بحث حروف و مصادر فارسی بجای مانده است.

## هفت قلم

تألیف «قبول محمد لکنهویی» است که بتشویق غازی‌الدین حیدر فرمانفرمای لکنهو در سال ۱۲۲۹ هجری قمری تألیف شده مشتمل بر شرح لغات فارسی و پهلوی است و بعضی لغات غیر فارسی هم که مصطلح در زبان فارسی است در این کتاب ضبط شده و ترتیب آنرا بر هفت باب قرار داده و هر باب را یک جلد مستقل بحساب آورده مجموعاً هزار صفحه در قطع بزرگ رحلی بسال ۱۳۲۴ قمری در لکنهو چاپ شده است.

## غیاث اللغات :

تألیف «غیاث‌الدین رامپوری» در سال ۱۲۴۲ هجری بتشویق فرمانروای ایالت شاهجهان آباد با تمام رسیده و تنظیم آن چهارده سال طول کشیده است.

غیاث اللغات شامل لغت‌ها و اصطلاحهای فارسی و عربی و ترکی می‌باشد و گرچه جامع و شامل نیست ولی از فرهنگهای معتبر بشمار می‌آید. این فرهنگ مفید بسال ۱۳۰۵ قمری در بمبئی بطبع رسیده است.

### فرهنگ آندراج :

تألیف «سرپا گناه محمد پادشاه» متخلص به «شاد» می‌باشد این فرهنگ جامع‌ترین و کاملترین فرهنگ زبان فارسی است که حاوی لغات و اصطلاحات و کنایات ادبی و کتابی و روزمره فارسی کنونی می‌باشد، در این فرهنگ علاوه از لغات اصیل فارسی لغات عربی و دردی و پهلوی و سانسکریت و یونانی و هندی، که دخیل در زبان فارسی هستند، جمع آوری شده و امتیاز دیگر این فرهنگ بزرگ آن است که مأخذ تمام لغتها در ذیل هر لغت ذکر شده است.

مصنف این فرهنگ مهم و معتبر اثر گران قیمت خود را بدستور **مهاراجه سلطان بهادر** که از فرمانروایان فضیلت‌پرور و دانشمند اخیر هند و والی ایالت **ویجی نگره** در جنوب هندوستان بوده تألیف کرده و آنرا بنام دارالریاسه و **ویجی نگره** یعنی **آندراج** که مقر حکومت مهاراجه بهادر بوده موسوم ساخته است.

مؤلف آندراج در بسیاری از موارد شواهد شعری هم آورده است. فرهنگ آندراج در سال ۱۲۹۸ قمری آغاز و بسال ۱۳۰۶ با تمام رسیده و در لکنه‌و با قطع بزرگتر از قطع رحلی در سه جلد هر جلد محتوی هزار صفحه بطبع رسیده و اخیراً هم در طهران بسعی کتابخانه خیام در هفت جلد بقطع وزیری چاپ شده است.

### فرهنگ هر چهار کاخ :

«میرزا نصرالله خان فدائی» کتابی درباره تاریخ هند در چهار جلد بقطع وزیری بنام داستان ترکتازان هند بدستور **میر محبوب علیخان آصف جاه بهادر نظام‌الملک**، **نظام حیدرآباد و سلطان دکن** در سالهای ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ قمری



بپارسی سره نوشته و سپس برای تألیف مفید خود کتاب مستقلی بنام فرهنگ هر چهار کاخ تنظیم داشته است .

این کتاب حاوی معانی لغات و تعبیرات و اصطلاحات فارسی است که مؤلف در چهار جلد تألیف خود بکار برده ، اسلوب تحریر و سبک نگارش بسیار ساده و دلنشین و ادیبانه میباشد و مؤلف در این تألیف فصیح و سودمند که بفارسی سره تنظیم شده خواسته است استغناى زبان فارسی و بی نیازی از لغات دخیل عربی و غیر عربی را نشان دهد .

### خزانه اللغات :

این کتاب صرفاً فرهنگ فارسی نیست ولی چون اثر ارزنده و مبتکرانه‌ای از یکی از بزرگترین بانوان فاضله تاریخ هند میباشد و برای احیاء لغات فارسی هم در آن کوشش شده است شایسته میدانم که در اینجا و در زمره کتت فرهنگ تذکری از آن بمیان آورم .

خزانه اللغات تألیف شاهجهان بیگم ملکه و فرمانروای ایالت بهوپال از ایالات شمالی هند میباشد . این ملکه که علاوه از مقام حکومت، خود از بانوان دانشمند اخیر هند بوده بزبان فارسی - عربی - سانسکریت - ترکی - هندی - انگلیسی تسلط داشته و باذوق و سلیقه خاصی چندین هزار لغت فارسی را با لغات مشابه و مرادف آن از زبانهای عربی، اردو، سانسکریت، انگلیسی، ترکی در ظرف چندسال جمع آوری کرده بطوریکه برای صاحبان هر یک از شش زبان نامبرده فهم آن آسان و قابل استفاده میباشد .

این کتاب در سال ۱۳۰۳ قمری در مطبعه شاهجهانی بهوپال بچاپ رسیده . مقدمه کتاب بزبان اردو است و در پایان کتاب بهر شش زبان خاتمه‌ای برای آن نوشته شده است .

تقریظهای نظم و نثر از طرف دانشمندان بهوپال بر کتاب نوشته شده که از همه

جالبتر تقریظ بسیار شیوایی است که با جمله های مسجع و مقطع بزبان فارسی در هشت صفحه درنهایت فصاحت و شیرینی نوشته شده و هر جمله این نوشته جداگانه ماده تاریخ طبع کتاب میباشد. قطع این کتاب رحلی و قریب هزارصفحه است.

### آصف اللغات :

تالیف «عزیز جنگ بهادر اول» بتشویق و ترغیب میر محبوبعلیخان آصف جاه نظام حیدرآباد که دربالا نیز از او نامبرده شد تالیف شده، الحق این پادشاه در ترویج زبان فارسی سعی فراوان بکار برده است.

جلد اول آصف اللغات تا جلد هفدهم از سال ۱۳۲۵ تا سال ۱۳۳۰ قمری در حیدرآباد دکن چاپ شده است، قطع کتاب وزیری و مجموع صفحات آن ده هزار و دو بیست صفحه است.

این کتاب شامل لغات و اصطلاحات زبان فارسی میباشد و در پایان هر لغت ترجمه الفاظ را هم در محاوره زبان اردو نوشته است و از این حیث برای هندیانی که زبان فارسی نمیدانند نیز قابل استفاده میباشد.

این فرهنگ اصطلاحات بسیاری را که در سائر فرهنگها نیامده نیز ضبط کرده و فرهنگ بسیار جامعی است، متأسفانه تمامی آن بطبع نرسیده و یا آنکه نسخه از جلد هفدهم بعد در طهران وجود ندارد و بیش از دو ثلث آن باقی مانده و امید است در هند بطبع رسیده باشد.

### فرهنگ نظام :

آخرین فرهنگی است که در هند برای زبان فارسی نوشته شده و از حیث اهمیت کمتر از فرهنگ آندراج نمیباشد و امتیازاتی هم دارد، در فرهنگ نظام هم کلیه لغات و کلمات و اصطلاحات و کنایات ادبی و روزمره و معمول زبان امروز فارسی جمع آوری شده و این فرهنگ هم مثل آندراج یکی از بزرگترین منابع صحیح ضبط لغات و اصطلاحات

فارسی است و لغات عربی و سایر لغات بیگانه را هم که در زبان فارسی راه یافته‌اند شامل می‌باشد .

در تنظیم این فرهنگ از فرهنگ آندراج استفاده بسیاری شده است . در این فرهنگ هریک از لغت‌ها مشخص شده که مصطلح در شعر یا نثر یا مکالمه زبان فارسی می‌باشد و لغت‌های محلی با سند و ذکر محل نقل شده است ، فرهنگ نظام بسعی مرحوم سید محمد علی داعی الاسلام استاد دانشگاه حیدرآباد دکن فراهم شده است ، داعی الاسلام اصلاً راجستانی بوده و خود در هند تولد یافته و تربیت شده سرزمین نعمت خیز و پربرکت هند بوده و تحقیقات و تتبعات خود را مدیون تشویق و ادب‌پروری اعلیحضرت عثمان علیشاه پادشاه سابق دکن و سرکش پرشاد نخست وزیر دانشمند دکن بوده است .

داعی الاسلام از طرف عثمان علیشاه مأمور تنظیم فرهنگ نظام شده و برای مطالعه و جمع‌آوری اصطلاحات و لغات محلی و اصیل فارسی سه سال بایران آمده و پس از مراجعت سالها در این راه صرف وقت و تخصص و تصفح نموده و کتاب او در سال ۱۳۴۶ قمری در ۵ جلد جمعاً قریب سه هزار صفحه بقطع بزرگ در حیدرآباد دکن بچاپ رسیده است ، داعی الاسلام در فرهنگ نظام برای اولین بار مجعول بودن کتاب دساتیر را که لغات آن در اکثر فرهنگها راه یافته اثبات کرده و لغات دساتیر را طرد کرده است . (۱)

غیر از این کتابها فرهنگهای بسیار مثل **جامع اللغات** که فارسی به اردو است **خزینة الامثال** حاوی لغات فارسی و عربی با تعبیرات اردو **لغات فیروزی** حاوی لغات فارسی و عربی و سریانی و اردو و عبری و انگلیسی و فرانسه و دهها لغت‌نامه دیگر در

(۱) «دساتیر» در اوائل قرن یازدهم بوسیله ملاهای زرتشتی مقیم هند بنام یک کتاب آسمانی قدیمی جعل شده و لغات ساختگی آن مورد استناد اکثر لغت نویسان قرار گرفته و در ۱۲۶۰ قمری بسعی ملا فیروز و ملا کاووس زرتشتی بطبع رسیده و بیشتر رواج جسته ، مرحوم داعی الاسلام با اسناد و دلائل معتبر این کتاب و لغت‌های آن را طرد کرد .

هند تالیف و طبع شده که هر يك در جای خود شایان توجه میباشد.

همچنین از سه کتاب لغت **ادات الفضلاء**، **فرهنگ ابراهیمی** و **مؤید الفضلاء** که از قدیمترین فرهنگ‌های زبان فارسی هستند و در هند تالیف شده‌اند باید نام برد، **ادات الفضلاء** تالیف قاضی خان پدر محمد دهلوی است که در ۸۲۲ تالیف شده و نخستین کتاب لغتی است که در هند برای زبان فارسی نوشته شده.

**فرهنگ ابراهیمی** تالیف ابراهیم نورالدین فاروقی بسال ۸۷۸ تنظیم گردیده و **مؤید الفضلاء** اثر شیخ محمد لاد دهلوی در سال ۹۲۵ در دهلی تنظیم شده است، این هر سه فرهنگ کوچک شامل لغات فارسی و عربی و ترکی است، و از این میان **مؤید الفضلاء** بزرگتر و با اعتبارتر است، اما نسخه چاپی که در لکنهو طبع شده بقدری مغلوط میباشد که صاحب آصف اللغات در این باره گفته است: کثرت اغلاط **مؤید الفضلاء** اسم را بامسمی میکند زیرا جز **فضلاء** کسی از آن بهره‌مند نتواند شد. **فرهنگ مؤید الفضلاء** مورد استفاده اکثر فرهنگ نویسان هند بوده و سروری کاشانی هم در تنظیم فرهنگ مجمع الفرس از این کتاب استفاده کرده و نام برده است.

این آثار بخوبی نشان میدهد که دانشمندان مسلمان هند در طی چند قرن در نگهداشت زبان فارسی سعی بلیغ بعمل آورده و بمراتب بیش از خود ما ایرانیان در راه حفظ زبان و فرهنگ ما کوشیده‌اند و زبان و ادب فارسی همیشه مرهون خدمات پر قیمت آنان میباشد. بدیهی است این رابطه و علقه معنوی و فرهنگی که کمتر نظیر دارد همیشه بین ملت ایران و هند برقرار خواهد ماند.

در خاتمه باریگر اظهار امیدواری میکنم که دانشمندان معاصر هند هم راه و رسم فضایی سابق هند را در پیش گیرند و اولیاء دولت فحیمه هند این علائق معنوی را که متأسفانه از آغاز جنگ اخیر و تحولات سیاسی قاره هند در حال رکود و خمود میباشد تجدید و تحکیم نمایند زیرا متروک ماندن زبان فارسی در هند نه تنها برای

ما فارسی زبانان يك ضایعه بزرگ ادبی محسوب است بلکه خود هندیان نیز از منبع پرفیض فرهنگ و ادب و عرفان زبان فارسی که بسی دانشمندان پیشین هند در آن قاره گسترش یافته محروم خواهند ماند و قسمتی از ارزنده ترین میراث فرهنگی نیاگان خود را ازدست خواهند داد ، امید است که هر گز چنین نشود ،

ضمناً ناگفته نماند که پارسیان مقیم هند نیز در ترویج بزبان فارسی سهم مختصری داشته اند و بخصوص از شادروان دینشاه ایرانی باید در این مورد یاد کرد ولی چون این مقاله در باره موضوع خاص « فرهنگ ایران در هند » تنظیم شده اکنون مجال و موقعیتی برای ذکر خدمات ناچیز پارسیان هند باقی نیست .

این سخن را ترجمه پهناوری

گفته آید در مقام دیگری

پایان

شوریه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
دانش  
رتال جامع علوم انسانی

تن بجان زنده است و جان زنده بعلم

دانش اندر کان جانت گوهر است

علم جان جان تست ای هوشیار

گر بجوئی جان جان را در خور است

حکیم ناصر خسرو